

صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی

M.Taheir Khani, Ph.D
Jahad Sazandegi Ghazvin

Small – Scale Industry A Fundamental Strategy for the Rural Development in Future

Small - scale industry has a potentially a large number of effects on the social and economic structure of a country and it's countryside. This type of industry can absorb some rural labor. The decentralization of small industry can have a positive effect on the development of the rural areas and in turn on the development of the whole country. Small -scale rural industry can absorb surplus labor from the countryside and solve part of the problem of chronic underemployment or hidden employment in agriculture sector. Small industries can be more easily decentralized than large industries. The direct effects of rural small -scale industry include welfare as well as technical knowledge and skills for the people living in the country side.

خلاصه

صنعتی شدن روستا با تأکید بر صنایع کوچک و در چارچوب طرح‌های جامع ملی پیامدهای ارزشمندی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه داشته است. ایجاد اشتغال پایدار، افزایش رفاه، و ایجاد اقتصاد خود رانشی در مناطق روستایی پاره‌ای از این پیامدها است. سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس همچنین به عنوان موتور توسعه مناطق روستایی تأثیر به‌سزایی در پیشرفت تدریجی کشورهای در حال توسعه به ویژه توسعه صادرات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند. این صنایع قادرند با جذب نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش و ارتقای سطح مهارت‌ها زمینه مناسبی جهت توسعه مناطق روستایی فراهم آورند. از این دیدگاه با صنعتی شدن، نقشی معنادار در فرآیند توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی به وجود می‌آید و در نهایت صنعتی شدن مناطق روستایی به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر خواهد شد.

بررسی نظری متون توسعه نشان می‌دهد که صنعتی شدن روستا در قالب ایجاد واحدهای کوچک مقیاس می‌تواند سنگ بنای استراتژی آینده و پارادایم مسلط توسعه روستایی کشور در دهه آتی باشد.

مقدمه

گسترش فقر در کنار تخریب روبه تزايد منابع، چالش‌های اقتصادی و فرهنگی معاصر بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. این معضلات در حیطه مناطق روستایی دارای عمق و پیچیدگی بیشتری است به طوری که روند غالب فرآیند رشد اقتصادی در نظام‌های اقتصادی روبه توسعه پس از جنگ - به جز چند مورد استثنایی - تداوم و یا تشدید فقر روستاییان بوده است. راهبردهای رشد با هدف صنعتی شدن^۱ که خصیصه کاربردی استراتژی‌های کشورهای در حال توسعه در چهار دهه اخیر بوده است، تحلیل‌هایی متنوع و متفاوت با وجوه اشتراک اندک را به همراه دارد. جزئی‌نگری در خصوص بینش و خاستگاه صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه به ویژه در سال‌های پس از جنگ نشان می‌دهد که میزان انباشت سرمایه، نقش نسبی بخش‌های عمومی و خصوصی، ماهیت و درجه وابستگی به خارج و دامنه گرایش به صادرات یا جایگزینی واردات تأثیری چشمگیر بر توسعه بخش صنعت داشته‌اند. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد تا ضمن بررسی رویکرد صنعتی شدن به عنوان محور مشترک توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه، تنوع زیاد عملکرد اجرایی آن را در نظر داشته باشیم زیرا عدم توجه به این مهم، زمینه تخریبی قابل توجهی در مورد کنش متقابل بین فرآیند صنعتی شدن و چشم‌اندازهای بخش روستایی ایجاد خواهد کرد [۱].

پیامدهای صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه نشانگر این نکته پر معناست که کاهش فقر و دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی به تنهایی تابع اثر جذب نیروی کار^۲ از مناطق روستایی نیست زیرا سیاستهای مستقیم و همه جانبه توسعه روستایی تأثیری شگرف در جبران فقر روستایی خواهد داشت.

اثرات دلسرد کننده صنعتی شدن بر مبنای منطق لوییس در جهت رخنه به پایین مزایای صنعتی شدن به سمت روستاییان فقیر، بیش از گذشته اتخاذ راهبردهای جهت دار به سوی روستاییان را مورد توجه قرار داده است. در این بین گروهی از محققان توسعه روستایی - صنعتی شدن روستا - از طریق ایجاد صنایع کوچک مقیاس را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند:

1- Industrialisation Led Growth Strategies (ILGS)

2- Labour - Suction Effect

صنعتی شدن روستا با تأکید بر صنایع کوچک در چارچوب طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها به سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و سوء بیکاری به ویژه در نواحی روستایی و کاهش عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای، امری اجتناب ناپذیر در فرآیند توسعه اقتصادی است [۲].

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی، به عنوان شتاب دهنده ایجاد اشتغال پایدار^۳ و کارآمدترین چاره ساز حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود. این دیدگاه معتقد است صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه^۴ و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی است [۳].

نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای کنش فزاینده^۵ باشد [۴]. تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می‌نماید بلکه منجر به اقتصاد خودرانشی^۶ نیز می‌گردد [۵]. از این منظر با صنعتی شدن روستا، نقشی معنادار در فرآیند توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخشهای اقتصادی ایجاد و در نهایت به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر خواهد شد [۶].

صنعتی شدن از طریق صنایع کوچک مقیاس در مراحل مقدماتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای اصلاح شرایط کار و استانداردهای زندگی در جهت مقابله با فقر در ابعاد جهانی مؤثر باشد و در شکل و اندازه‌های ملی نیز به عنوان ابزاری برای تولید بیشتر با استفاده از فناوری روز مطرح باشد. اگر این الگو و تفکر به خوبی در ذهن پرورش نیابد به احتمال قوی هر کوششی برای صنعتی نمودن مناطق روستایی منجر به مهاجرت اکثریت مردمی می‌شود که در روال صنعتی شدن نقشی نداشته و از آن محروم بوده‌اند.

تعاریف، مفاهیم، سازمان‌یابی فضایی و جایگاه صنایع کوچک مقیاس در توسعه

روستایی

به سبب پیامدهای سازنده و چشمگیر صنایع کوچک مقیاس در ژاپن و پاره‌ای از کشورهای اروپایی به ویژه ایتالیا، تجدید سازمان صنعتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور

3- Sustainable Employment

4- Welfare Augmenting

5- Multiple Effects

6- Self - Propelling

مشخص از دهه هشتاد مورد توجه قرار گرفت. این موفقیت، تفکر جدیدی را سازمان بخشید که هدف آن گسترش مؤسسات و بنگاه‌های کوچک صنعتی بود. آزادسازی تجارت و نیاز به اصلاحات ساختاری صنایع جدید در راستای رقابت‌های جهانی، توجه به صنایع کوچک مقیاس را حساس‌تر کرد.

این پارادایم در کشورهای توسعه یافته از مدل‌های "تخصصی شدن قابل انعطاف" سابل و پیور ۱۹۸۴، "تولید سبک" وومک و جونز ۱۹۹۱، "فراوردیسم" جسوپ و همکاران ۱۹۸۸ و "بخش‌های صنعتی" پیک و سنجنبرگر^۷ ۱۹۹۱ اتخاذ گردید [۷].

اساس تفکر تجدید سازمان مؤسسات و بنگاه‌های تولیدی بر پایه نظر "جان هامفری"^۸ در اصطلاح "کارخانه حداقلی" که به وسیله "کورت"^۹ در سال ۱۹۹۱ آن را پیشنهاد کرده بود بنیان نهاده شد. هدف از این تفکر تولید کالاهایی است که بتواند با حداقل هزینه ممکن رضایت مصرف کنندگان را فراهم کند. در این نظام با توجه به نیازهای عمومی - کارخانه ایده آل به سمت اهداف کلی گرایش یافته و با به کارگیری حداقل مصرف انرژی، مواد اولیه، سرمایه، و نیروی کار پاسخگوی نیاز و تقاضای خریداران می‌باشد. هامفری معتقد است صنایع کوچک مقیاس دارای چنین ویژگی‌هایی است [۸].

تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که واحدهای اقتصادی و صنعتی کوچک نقش عمده‌ای در فرآیند توسعه صنعتی ایفا می‌کنند.

نمونه این گونه مشارکت‌ها را می‌توان در سهم قابل توجه این صنایع در تولید ناخالص داخلی این کشورها مشاهده نمود. صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه دارای تعاریف متفاوت است. این تعاریف متفاوت نشان می‌دهند که هنوز به درستی معیاری ثابت برای صنایع کوچک تعیین نشده است. پیامد این دگرگونی و نسبی بودن تعریف صنایع کوچک مقیاس به نحوی بوده که انستیتو تکنولوژی جورجیا در بررسی خود به پنجاه تعریف مختلف در ۷۵ کشور دست یافته است. مهم‌ترین شاخص‌هایی که تاکنون در تعریف صنایع کوچک به کار گرفته شده، میزان اشتغال، حجم سرمایه گذاری، حجم تولید، نوع فناوری و صادراتی بودن تولیدات واحد است. کشورهای مختلف با انتخاب یک یا دو شاخص فوق، صنایع کوچک خود را کمی نموده و تعریف مشخصی را مبنای برنامه ریزی خود قرار داده‌اند. بسیاری از این تعاریف، میزان سرمایه گذاری، تعداد شاغلان و یا هر دو را به عنوان ضوابط اصلی در تعریف و طبقه‌بندی صنایع کوچک به کار برده‌اند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه واحدهای صنعتی دارای شاغلان بین ۱

7- Flexible Specialization, Sabel & Piore, lean Production, Womack & Jones, Post Fordism, Jessop & Al, Industrial District Pyke & Sengenberger

8- Humphrey John

9- Minimum Factory

10- Coriat

تا ۵۰ نفر را به عنوان صنایع کوچک مقیاس معرفی می‌نمایند. این تقسیم بندی در کشورهای مختلف دارای کمیت‌های متفاوتی است. برای نمونه در کشور اردن تعداد شاغلان بین ۴-۱ نفر، در ترکیه کمتر از ۵۰ نفر، در اندونزی بین ۵ تا ۱۹ نفر و در مالزی کمتر از ۵۰ نفر به عنوان صنایع کوچک نامیده می‌شوند [۹]، در حالی که پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه همانند هند، واحدهای دارای تجهیزات و ماشین آلاتی تا سقف ۶ میلیون روپیه را به عنوان صنایع کوچک تعریف کرده‌اند [۱۰] و در پاکستان صنایع کوچک مقیاس همه سرمایه‌گذاری‌هایی را که با دارایی ثابت تا ۱۰ میلیون روپیه هستند در بر می‌گیرد. جدول (۱) بیانگر این تعاریف است.

جدول ۱: تعریف صنایع کوچک از دیدگاه کشورهای صنعتی و در حال توسعه

| کشور | شاخص‌های تعریف صنایع کوچک (اشتغال) (نفر) | سرمایه ثابت |
|---------|---|---------------|
| مالزی | کمتر از ۵۰ نفر | - |
| ترکیه | کمتر از ۵۰ نفر | - |
| ژاپن | بین ۱۰-۱۰۰ نفر | ۱۰۰ میلیون ین |
| ایران | بین ۵-۵۰ نفر | - |
| هند | بین ۴-۵۰ نفر | ۲۲۰۰۰۰ دلار |
| سنگاپور | کمتر از ۵۰ نفر | - |
| اندونزی | بین ۱۹-۵۰ نفر | - |

مآخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی، صنایع کوچک، ۱۳۷۷: صفحه ۱۰

سازمان توسعه صنایع وابسته به سازمان ملل معتقد است در طی سال‌های اخیر صنایع کوچک و متوسط مقیاس، نقشی کلیدی و حساس در تنوع بخشی به تولیدات صنعتی و دستیابی به اهداف توسعه داشته‌اند. امروزه این امر چنان حائز اهمیت بوده که اقتصاد دانان و تصمیم سازان اقتصادی کشورهای در حال توسعه، بنابر ملاحظات ذیل توجه به صنایع کوچک و متوسط مقیاس را سر لوحه برنامه های خود قرار داده‌اند [۱۱].

(۱) اهداف توسعه نه تنها افزایش تولید ناخالص ملی بلکه ایجاد اشتغال، کاهش فقر، اصلاح توزیع درآمدها، و تأمین نیازهای اساسی رادر بر می‌گیرد. این موارد به طور قابل توجهی با تأکید بر صنایع کوچک و متوسط مقیاس قابل حصول است.

(۲) در طی دو دهه اخیر اتخاذ استراتژی‌های متکی بر پروژه‌های صنعتی بزرگ مقیاس و سرمایه‌بر با وابستگی وارداتی به مواد خام اولیه، رشد ناامیدکننده‌ای در جهت جذب نیروی کار در کشورهای در حال توسعه داشته است. صنایع کوچک و متوسط مقیاس به شکلی مطلوب و گسترده می‌توانند از اثرات ناهنجار چنین استراتژی‌هایی بکاهند.

(۳) در بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعتی این امر به اثبات رسیده که صنایع کوچک و متوسط مقیاس می‌توانند به عنوان مکمل صنایع بزرگ مقیاس عمل کنند.

با توجه به چنین ویژگی‌هایی، کشورهای در حال توسعه سعی کرده‌اند از سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس به عنوان موتور توسعه^{۱۱} با ایجاد اشتغال و تأمین نیازهای اساسی در مناطق روستایی استفاده کنند. شایان ذکر است در این کشورها صنایع کوچک و متوسط مقیاس به عنوان ابزاری برای صنعتی شدن و توسعه^{۱۲} معرفی شده‌اند. توسعه مناطق روستایی مستلزم اصلاحات رادیکالی و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های خدماتی و اقتصادی است. صنایع کوچک به دلیل ویژگی‌های ذیل مهم‌ترین ابزار در راستای توسعه مناطق روستایی محسوب می‌شوند:

- ۱) این صنایع نیروی کار قابل توجهی را به علت استفاده از فناوری‌های کاربر به خود جذب می‌نمایند.
- ۲) صنایع کوچک و متوسط مقیاس منبع مهمی جهت تشکیل سرمایه داخلی^{۱۳} (ایجاد کالاهای سرمایه‌ای و یا سرمایه‌ای که در نتیجه پس انداز به وجود می‌آید) از طریق بسیج و هدایت پس‌اندازهای شخصی^{۱۴} جهت فعالیت‌های تولیدی محسوب می‌شوند.
- ۳) صنایع کوچک و متوسط مقیاس نقش سازنده‌ای در توزیع درآمدها به خصوص در مبادلات منطقه‌ای^{۱۵} بر جای می‌گذارند.
- ۴) رشد پویای صنایع کوچک و متوسط مقیاس بستری اطمینان بخش در جهت شتاب بخشی به توسعه روستایی‌اند و همچنین در جلوگیری از مهاجرت به شهر نقش مهمی ایفا می‌نمایند.
- ۵) این صنایع قادرند بستر مناسبی برای پیوند بین بخش کشاورزی و صنعت از طریق پردازش محصولات کشاورزی و همچنین صرف درآمدهای حاصل از کشاورزی برای خرید کالاهای مصرفی ایجاد نمایند.
- ۶) صنایع کوچک و متوسط مقیاس می‌توانند به سهولت زمینه آموزشی مناسبی را برای کارآفرینان با ایجاد مهارت‌های فنی، مدیریتی و بازاریابی ایجاد نمایند.
- ۷) این صنایع دارای انعطاف و تنوع تولید هستند و به آسانی با تغییر شرایط بازار همگام و همسو می‌شوند.
- ۸) به علت وجود حوزه‌های تخصصی و هزینه‌های اندک تولیدی، این صنایع تولید کننده محصولات فرعی برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس محسوب می‌شوند.

11- Engine of Development

12- SMI as Vehicles of Industrialization & Development

13- Domestic Capital

14- Private Savings

15- Regional Terms

وسانت دیسی^{۱۶} معتقد است صنایع کوچک مقیاس در ایجاد اشتغال ثانویه و نیز استفاده مطلوب از مواد خام محلی جهت تأمین نیازهای محلی ضروری هستند. این صنایع غیرمتمرکز و وابسته به کشاورزی و صنایع بزرگ مقیاس محسوب می‌شوند. به اعتقاد وی توسعه متوازن صنعتی^{۱۷} با عدالت اجتماعی، توزیع مالکیت و کنترل و رشد غیر متمرکز صنایع همراه است. جهت حصول به چنین اهدافی توسعه کارآفرینی‌های جدید از طریق اتخاذ سیاست‌های تبعی‌شدن^{۱۸} با تأسیس واحدهای کوچک مقیاس امکان‌پذیر می‌گردد. تبعی‌شدن، سبب حل مشکلاتی می‌شود که در صورت مستقل بودن واحدهای تولیدی امکان رفع آن‌ها وجود ندارد. [۱۲] وسانت دیسی تصریح می‌کند که هدف‌های ایجاد صنایع کوچک مقیاس باید منطبق بر اصول زیر باشد:

- (۱) ایجاد اشتغال رو به تزاید
 - (۲) تشویق و حمایت از پیشرفت تدریجی^{۱۹} در تکنیک‌های تولیدی
 - (۳) افزایش تولید با ایجاد تنوع در کالاها
 - (۴) تشویق و ارائه حمایت‌های ضروری از صنعتگران کوچک
 - (۵) توزیع متوازن درآمدهای ملی و توسعه متوازن صنعتی در مناطق مختلف از طریق اعمال سیاست‌های تمرکززدایی.
- اولاف فاس^{۲۰} با تأکید بر اهمیت صنایع کوچک مقیاس در مناطق روستایی معتقد است که نقش سرمایه‌گذاری‌های کوچک در مناطق مختلف ثابت شده است، اما سهم این صنایع در اشتغال‌زایی مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بیشتر مورد تأیید قرار گرفته است. وی تصریح دارد که به دلایل زیر نقش صنایع کوچک در ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی حائز اهمیت است [۱۳]:

- (۱) سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس دارای اثرات بلند مدت هستند.
- (۲) صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ رقابتی‌تر هستند، لذا افزایش عملکرد بازار و رقابت در ابعاد بین‌المللی به رشد مطلوب سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس منتهی می‌شود.
- (۳) کارکرد سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس در مناطق روستایی بهتر است.
- (۴) تغییرات بخشی، در صنایع کوچک مقیاس به مراتب کمتر از صنایع بزرگ مقیاس است.

16- Desai, Vasant

17- Balance Industrial Development

18- Ancillarisation

19- Gradual Progress

20- Olaf Foss

جان هامفری و هوبرت شویتز^{۲۱} با دیدگاهی مشابه معتقدند دلایل حمایت از صنایع کوچک مقیاس به سه مؤلفه زیر وابسته است:

۱) صنایع کوچک مقیاس دارای منافع ملی است چنان که با داشتن یک بخش صنعتی کوچک مقیاس توانمند، می توان حضور متنوع کالاهای تولیدی و اشتغالی کارآمد را تضمین نمود
 ۲) صنایع کوچک مقیاس کارآمد، بدون حمایت های دولتی به وجود نخواهند آمد چرا که سرمایه گذاری های کوچک مقیاس دارای بعضی محدودیت ها به خصوص در جهت رسوخ به بازار هستند.

۳) برنامه های هدفمند به سوی سرمایه گذاری های کوچک مقیاس از آن جهت مورد حمایت قرار می گیرند که دارای بیشترین اثرات رفاهی و کارایی اقتصادی به خصوص برای فقرا هستند.

این صنایع ضمن ایجاد فرصت های شغلی، گامی در جهت کاهش نابرابری های منطقه ای محسوب می شوند [۱۴].

این دو محقق همچنین معتقدند که سیاست توجه به صنایع کوچک و متوسط مقیاس شرایط تحقق "C" سه گانه^{۲۲} را مهیا می نمایند: اول جهت گیری به طرف مصرف کننده^{۲۳} است که توجه به نیازها و تقاضای مصرف کننده دارد. دوم جمع گرایی^{۲۴} بین گروه های تولیدی است که توجه خود را به گروه های سرمایه گذار معطوف می کند و با ایجاد نگرش جمعی، هزینه های تولید را به نسبت سرمایه گذاری های فردی کاهش می دهد و به ایجاد ارتباط مستمر بین سرمایه گذاران در جهت افزایش کارایی کمک می کند و سوم ظرفیت تجمعی^{۲۵} است که حاصل دو خصیصه دیگر بوده و شرایط راجعت افزایش ظرفیت خودتکایی و وابستگی کمتر به خارج آماده می سازد [۱۵]. دیوید نورث و دیوید اسمالبن^{۲۶} با طرح خصوصیات سرمایه گذاری های کوچک مقیاس تصریح می کنند که علایق رو به رشدی در جهت حمایت از صنایع کوچک برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی در دهه اخیر به وجود آمده است به طوری که به وضوح می توان این خصیصه را در استراتژی کمیسیون توسعه روستایی در سال ۱۹۹۰ مشاهده کرد. با استفاده از شواهد به دست آمده اثبات شده است که صنایع کوچک مقیاس در نواحی پیرامونی و در مقایسه با مؤسسات و بنگاه های شهری تفاوت اندکی در اثرات توسعه داشته اند [۱۶].

21- Humphrey, John & Schmitz, Hubert

22- Triple C

23- Customer Orientation

24- Collective

25- Cumulative Capacity

26- North, David & Smallbone, David

جوانالوی^{۲۷} بایان اشتغال را بودن صنایع کوچک مقیاس اذعان دارد که مشاغل صنعتی کوچک می‌توانند نقش اساسی در اقتصاد ملی کشورهای در حال توسعه ایفا کنند. این صنایع به عنوان منبع مهم اشتغال و درآمد برای فقرای روستایی محسوب می‌شوند، زیرا شمار قابل توجهی از بیکاران را به سوی خود جلب می‌کند. همچنین شواهدی وجود دارد که اهمیت صنایع کوچک مقیاس در طول زمان افزایش می‌یابد. برای مثال در برزیل سهم مؤسسات کوچک تولیدی (بین ۱ تا ۹ نفر شاغل) از ۷۱ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۸۲ درصد در سال ۱۹۸۵ رسیده است [۱۷].

لوی معتقد است که تفکر گسترش صنایع کوچک مقیاس در کشورهای در حال توسعه از اوایل دهه هفتاد با طرح آن به عنوان بخش غیررسمی^{۲۸} آغاز می‌شود. در آن دوره بیشتر مشاغل کوچک مقیاس در آمار سرشماری‌های ملی محسوب نمی‌شدند. با ارائه عقیده "هارت"^{۲۹} و نظر "اداره بین‌المللی کار ILO"^{۳۰} بخش غیررسمی مورد بازبینی قرار گرفت و تعریف جدیدی از آن ارایه گردید. در میان عوامل متعدد مطرح شده در جهت حمایت از صنایع کوچک مقیاس، سهم قابل توجه آن در ایجاد فرصت‌های شغلی بسیار مهم است. شواهد تجربی نشان می‌دهند که به علت کاربرد بودن صنایع کوچک، نیروی کار قابل ملاحظه‌ای جذب آن می‌شوند. از آنجا که این صنایع عمدتاً قابلیت تحقق در مناطق روستایی را دارا هستند، سهم ارزشمندی نیز در پر نمودن شکاف درآمدی بین شهر و روستا دارند. این ویژگی موجب جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و نیز پیوند میان کشاورزی و صنعت می‌شود. تردیدی نیست که وجود صنایع کوچک می‌تواند پیش نیاز موفقیت استراتژی صنعتی شدن محسوب گردد [۱۸].

جیمز کوران و دیوید استوری^{۳۱} ضمن تبیین تفاوت‌های مشاغل شهری با مناطق روستایی معتقدند مشاغل صنعتی کوچک مقیاس در سال‌های اخیر در مناطق روستایی از رشد سریعتری برخوردار بوده‌اند لذا تا حدودی نسبت به نگاه‌های شهری جوان‌تر هستند. این مؤسسات بازارهای خاصی را طلب می‌کنند و نسبت به مؤسسات تولیدی مشابه در شهرها صادراتی‌تر هستند. به طور کلی مشاغل کوچک مقیاس صنعتی در مناطق روستایی بهتر و موفق‌تر از مشاغل کوچک مقیاس شهری عمل نموده‌اند [۱۹].

در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً تشکیل سرمایه به کندی صورت می‌گیرد توجه به صنایع بزرگ و سرمایه بر به دلیل فقر جمعیت روستایی و فقدان سرمایه کافی، میزان تقاضای مؤثری را که صنایع بزرگ بر اساس آن قادر به رشد و ترقی هستند محدود می‌کند. در چنین

27- Looye.Johanna

28- Informal sector

29- Hart

30- International Laboar Office

31- Curran.Jamaes & story.David

شرایطی توجه به صنایع کوچک و روستایی قادر است ضمن بالابردن سطح تولید و سطح زندگی، با کم کاری و بیکاری نیز مبارزه کند. صنایع کوچک روستایی در عین اشتغالزا بودن بر خلاف صنایع بزرگ موجب تمرکز جمعیت نمی شوند.

ماک هرچی در سیاست‌های توسعه روستایی هند تصریح می کند که باید اشتغال نیروی کار کشور را به گونه‌ای فراهم آوریم که موجب توزیع عادلانه ثروت گردیم و این امر تنها از طریق احیای صنایع کوچک مقیاس روستایی امکان پذیر است.

ویلیام لوئر و جان. پی پاولسون^{۳۳} ضمن بررسی تجربیات کشورهای در حال توسعه بر این باورند که سرمایه گذاری‌های کوچک مقیاس صنعتی با شرایط محلی بیشتر منطبق می شوند و نهایت استفاده را از منابع محلی با به کارگیری نیروهای کار غیر ماهر تا نیمه ماهر به عمل می آورند [۲۰]. وسانت دیسی صنایع کوچک مقیاس را به سه گروه عمده تقسیم می کند:

(۱) صناعی که با مقیاس کوچک شکل می گیرد اما در کوتاه مدت به دلیل قابلیت‌های خود ارتقا می یابند و به واحدهای متوسط مقیاس تبدیل می شوند.

این صنایع به طور نسبی سرمایه بر هستند و معمولاً توسط بنگاه‌های خصوصی یا شرکت‌هایی با مسئولیت محدود یا به صورت تعاونی تأسیس می شوند.

میزان وام دریافتی در این صنایع نسبت به سرمایه اولیه (سرمایه متعلق به مالک) بیشتر است و این صنایع دارای مدیریت و فروش ممتازی هستند. در هند بعضی صنایع در این گروه جای می گیرند مانند شرکت‌های تولید کننده بیسکویت، رنگ، و لوازم یدکی اتومبیل.

(۲) صناعی که با مقیاس کوچک آغاز می شوند و ممکن است تا مدتی طولانی گسترش نیابند و به همان حال باقی بمانند بدون این که گرایش به سمت صنایع متوسط مقیاس داشته باشند.

انواع خاصی از ماشین‌های تولیدی مورد نیاز این بخش است و نیازمند سرمایه گذاری‌های کلان نیستند. این صنایع معمولاً انفرادی مورد بهره برداری قرار می گیرند و فاقد تأسیسات انبارداری هستند. توانایی مدیریتی آنها از واحدی به واحد دیگر متفاوت است و سرمایه اندکی را نیز از خارج طلب می کنند. در هند واحدهای تولید کننده بیج و مهره، میخ و اجاق‌های نفتی در این طبقه جای می گیرند.

(۳) سومین طبقه صناعی را شامل می شوند که به شکل خانگی آغاز می شوند اما در گذر زمان توسعه می یابند و به صنایع کوچک مقیاس یا واحدهای تغذیه کننده صنایع بزرگ مقیاس تبدیل می شوند. چنین صناعی عمدتاً مشارکتی اند و از فناوری کاربر جهت ساخت و تولید کالا

استفاده می‌نمایند. در هند، واحدهای تولید اسباب بازی، انواع شیرینی و فنرهای صنعتی در این طبقه جای می‌گیرند [۲۱].

به موازات سیاست‌های گسترش صنایع کوچک مقیاس روستایی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با موفقیت‌های چشمگیر رو به رو بوده‌اند. برای نمونه در کشور هندوستان به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه بین نوامبر سال ۱۹۹۳ و جولای ۱۹۹۶ در حدود ۱۷۰۰ سرمایه‌گذاری کوچک صنعتی تحت برنامه توسعه صنایع روستایی به وجود آمده که خطوط تولید این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً صنایع غذایی، نساجی، تولیدات چرمی، شیمیایی و محصولات ساختمانی بوده‌اند. سرانه متوسط سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در هر واحد تولیدی ۳۱۰۰۰ روپیه بوده که ۲۰ درصد آن توسط کارآفرینان و مابقی از طریق اعتبارات بانکی تأمین شده‌اند. در سال اول ۶۴ درصد از واحدهای تولیدی سودآور بوده و در سال دوم واحدهای سودآور به ۴۵ درصد و در سال سوم به ۵۵ درصد رسیده است. در حدود ۷۰ درصد واحدهای تولیدی از مهارت شخصی کارآفرینان بهره گرفته و در طی شش ماه بعد از تولید، ۴۰ درصد واحدهای تولید کننده اقدام به باز پرداخت وام‌های خود نموده‌اند. سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در تولید لوازم آرایشی، چاپ و لوازم نوشت ابزار دارای بیشترین سود بوده‌اند. در این بین سرمایه‌گذاری‌ها در بخش غیر سنتی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های سنتی سود بیشتری داشته‌اند. جدول ۲ این ویژگی را نشان می‌دهد [۲۲].

گرایش به سمت صنایع کوچک مقیاس روستایی در کشورهای توسعه یافته یکی از الگوهای توسعه مناطق روستایی تلقی گردیده چنانچه استفان، ام. اسمیت و همکاران^{۳۳} با بررسی فعالیت‌های غیرکشاورزی در جامعه آمیش^{۳۴} پنسیلوانیای آمریکا تصریح می‌کنند که موفقیت‌های حاصل از فعالیت‌های غیرکشاورزی در مناطق روستایی متأثر از ایجاد صنایع کوچک مقیاس روستایی در این جامعه بوده است. جامعه آمیش در مراکز روستایی پنسیلوانیا به طور سنتی تا سال‌های پیش به عنوان مرکز فعالیت‌های کشاورزی محسوب می‌شد تا بدان جا که پرداختن به امور غیرکشاورزی از جانب کلیسا محکوم و عملی غیر الهی محسوب می‌گردید. در حال حاضر این شرایط به طور کامل تغییر یافته و شمار سرمایه‌گذاری‌های صنعتی کوچک مقیاس به سرعت افزایش یافته است. این فرآیند متأثر از افزایش جمعیت و کاهش فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی بود، که در بدو امر موجبات مهاجرت‌های روستایی در این جامعه را فراهم آورده بود.

33- Stephen M. Smith & Al

34- Amish

جدول ۲: سرمایه گذاری های کوچک و تعداد واحدهای صنعتی در معرض سود و زیان

| گروه صنعتی | سود | زیان | زیان عملیاتی | کل |
|-------------------------|-----|------|--------------|-----|
| صنایع تبدیلی غذایی | ۳۸ | ۱۶ | ۲ | ۵۴ |
| صنایع تبدیلی کشاورزی | ۳۶ | ۲۸ | ۱۲ | ۶۴ |
| تولیدات چوبی | ۳۲ | ۲ | - | ۳۴ |
| نساجی و پوشاک | ۷۲ | ۳۲ | ۹ | ۱۰۴ |
| تولید وسایل سیک | ۳۲ | ۱ | - | ۳۳ |
| سنگبری | ۳۷ | ۱۲ | - | ۴۹ |
| شیمیایی | ۶ | ۳ | - | ۹ |
| چرم | ۶ | - | ۲ | ۶ |
| وسایل الکترونیکی | ۱۶ | ۲ | - | ۱۸ |
| مصالح ساخته‌شده | ۱۴ | - | - | ۱۴ |
| فلزات قیمتی | ۲ | ۱ | - | ۳ |
| پلاستیک | ۳ | ۳ | ۱ | ۶ |
| لوازم تحریر و چاپ | ۸ | - | - | ۸ |
| لوازم آرایشی | ۱۱ | ۲ | - | ۱۳ |
| آموزش‌های صنعتی | ۶ | ۲ | - | ۸ |
| حمل و نقل | ۱۲ | ۱ | - | ۱۳ |
| سایر | ۲۶ | ۵ | ۲ | ۳۱ |
| کل | ۳۶۶ | ۱۱۵ | ۲۸ | ۴۷۱ |

Source: Purushotham.P, "Micro Enterprise Development in the Regions of High poverty " P.248.1997

حرکت به سوی سرمایه گذاری های کوچک مقیاس روستایی انتخابی حیاتی در جلوگیری از مهاجرت روستاییان بود. کارآفرینان صنعتی و شاغلان آنها دارای درجه پایینی از سطوح آموزشی بودند لذا سرمایه گذاران خود را مجهز به فناوری های پیشرفته نکرده‌اند و نهایت تلاش آنها بهره گیری فناوری های ساده بوده است. با بررسی سرمایه گذاری های انجام شده در بخش های غیر کشاورزی که در جدول ۳ نشان داده شده، می توان استنباط کرد که کار آفرینان جدید به میزان قابل ملاحظه‌ای به بخش های صنعتی و پاره‌ای از خدمات با فناوری ساده متکی هستند.

تولید محصولات چوبی با ۲۷ درصد از سرمایه گذاری های کوچک مقیاس، محصولات فلزی با ۱۵ درصد، و مشاغل خدماتی و فروش محصولات کشاورزی هر یک با ۱۴ درصد بیشترین سرمایه گذاری های تولیدی را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین بررسی های به عمل آمده نشان می دهند که بیشتر این سرمایه گذاری ها جدید هستند به طوری که ۶ درصد واحدهای تولیدی از سال ۱۹۸۰ تا کنون تأسیس شده‌اند. این مشاغل عمدتاً کوچک مقیاس و با مالکیت خصوصی اداره می شوند و میزان شاغلان آن نیز با توجه به نوع

صنعت محدود است به طوری که ۲۹ درصد واحدهای تولیدی تنها ۱ نفر شاغل و ۸۸ درصد به میزان ۶ نفر و کمتر نیروی انسانی شاغل داشته‌اند [۲۳]. صنایع کوچک نقش قابل توجهی نیز در تولید، صادرات، نوآوری، ارزش افزوده و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته‌اند. به طوری که این ویژگی را می‌توان ضمن مقایسه متغیرهای اساسی مرتبط با صنایع کوچک مقیاس در هشت کشور در حال توسعه و توسعه یافته مطابق جدول ۴ مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۳ ویژگیهای سرمایه گذارهای کوچک در جامعه آمیخ پنسیلوانیا ۱۹۹۲

| درصد | مؤلفه‌ها |
|-------------------|--|
| ۲۷/۲ | تولیدات چوبی (مبل، میز آرایش، کابینت، اسباب بازی، میز و صندلی،.....) |
| ۱۵/۲ | تولیدات فلزی (ابزارآلات کشاورزی، آهنگری،.....) |
| ۱۴/۴ | خرده فروشی (پتو و لحاف، صنایع دستی، کارهای عمومی،.....) |
| ۱۴/۳ | محصولات کشاورزی (دام، محصولات لبنی، تولید گل،.....) |
| ۱۰/۲ | ساختمان |
| ۸/۵ | باربری و تولیدات مرتبط (دهانه اسب، چرخ،.....) |
| ۳/۴ | نانوایی |
| ۶/۷ | سایر |
| آغاز فعالیت مشاغل | |
| ۱۵ | قبل از ۱۹۷۰ |
| ۲۵ | ۱۹۷۰-۱۹۷۹ |
| ۴۵ | ۱۹۸۰-۱۹۸۹ |
| ۱۶ | ۱۹۹۰-۱۹۹۲ |
| ۳۱ | ۱۹۹۲-۱۹۸۸ |
| تعداد شاغلان | |
| ۲۹ | ۱ نفر |
| ۳۳ | ۲-۳ نفر |
| ۲۶ | ۴-۶ نفر |
| ۱۲ | بیشتر از ۷ نفر |

Source: Smith M. Stephen & Al, "Non Agricultural Micro-enterprise Development Among the Pennsylvania: A New Phenomenon", 1997, P.241

واحدهای کوچک صنعتی که عمدتاً با سرمایه‌های محدود و پراکنده موجود در جامعه و با حداقل وابستگی ارزی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه ایجاد می‌شوند می‌توانند بخش اعظم کالاهای نیمه ساخته صنعتی مورد نیاز صنایع بزرگ داخلی و خارجی را تأمین نمایند و بدین

ترتیب نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال و رفاه کشورشان برجای گذارند. قابلیت انعطاف صنایع کوچک مقیاس منجر می‌شود تا خط تولید بر حسب تقاضای بازار تغییر یابد و قابلیت رقابتی کالاهای تولید شده حفظ گردد. صنایع کوچک می‌توانند فعال، پراثر، خلاق و خطر پذیر سبب تنوع بخشی تولیدات و کسب بازارهای جدید شوند.

صنایع بزرگ می‌توانند با جلوگیری از گسترش بی‌رویه واحدهای خود، قسمتی از خط تولید خود را به واحدهای کوچک مقیاس بسپارند و بدین ترتیب حجم تولید و بهره‌وری واحد تولیدی را افزایش دهند. مقایسه هزینه‌های تولیدی در شرکت ایران خودرو و کارخانه میسویچی ژاپن در واحدهای کوچک و بزرگ صنعتی که در جدول‌های ۵ و ۶ نشان داده شده، حکایت از کاهش هزینه‌های تولیدی در واحدهای کوچک در مقایسه با واحدهای بزرگ مقیاس است.

آر.پی. میسرا^{۳۵} ضمن طبقه‌بندی صنایع روستایی به سه گروه افزارمندان روستایی، صنایع خانگی و کارخانجات کوچک،^{۳۶} معتقد است در صنایع خانگی قیمت کالاها ناچیز، تغییر نیروی کار و جذب نیروی انسانی عمدتاً به طرف بخشهای سودآورتر، سطح تکنولوژی پایین و معمولاً تولیدات به صورت خود کفا برای مصارف خانوار صورت می‌گیرد. با عرضه تولیدات جدید اهمیت این صنایع در بلند مدت کاهش می‌یابد. در بخش افزارمندی روستایی کیفیت کالاهای تولید شده خوب و قیمت آنها در بازار نسبتاً بالا است، بدین منظور افزارمندی روستایی در گ‌ذار زمان از بین نمی‌رود و بعد از طی مدتی پس از شکست مراحل اولیه، مدرنیزه می‌شود و به حیات خود ادامه می‌دهد. کارخانه‌های کوچک مقیاس به دلیل ماهیت اقتصادی خود در نواحی روستایی و امکان رقابت با سایر بخش‌های اقتصادی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و منجر به کاهش شکاف اقتصادی میان نواحی شهری و روستایی می‌گردند. شکل ۱ مقایسه مسیرهای توسعه انواع صنایع روستایی را نشان می‌دهد [۲۴].

در حال حاضر سیاست‌های حمایت از مشاغل کوچک مقیاس صنعتی از دو استراتژی تبعیت می‌نمایند. اول استراتژی مبتنی بر حذف کامل دولت که در نظریات "بیگ ۱۹۸۸"، "دوسوتو ۱۹۸۹" و "جنکینز ۱۹۸۸"^{۳۷} مشاهده می‌شود و دوم، استراتژی متکی به حداکثر دخالت دولت که در تحقیقات "فاریمان ۱۹۸۱" و "اش ۱۹۸۵"^{۳۸} قابل مشاهده است [۲۵].

در سیاست‌های مداخله‌ای دولت جهت توسعه بخشی صنایع کوچک مقیاس، دیدگاه‌های متفاوتی در ایجاد فرصت‌های شغلی اعمال می‌شود. پاره‌ای خود را منطبق بر "سیاست‌های

35- Misra R.P

36- Rural Artisanal, Household Industries, Small Factory

37- Bigg, De soto, Jenkins

38- Farbman, Ashe

حمایتی^{۳۹} * نموده و به صنایع کوچک مقیاس خدمات فنی، تأسیسات زیر بنایی و منابع مالی ارایه می‌نمایند. در بعضی از کشورها، سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس به عنوان قسمتی از برنامه‌های ملی - جهت حصول به توسعه - به کار گرفته می‌شود. این گونه سیاست‌ها عمدتاً در مناطق پیرامونی و در جهت مقابله با مهاجرت‌های روستایی به صورت "مساعدت‌های گزینشی"^{۴۰} اعمال می‌گردد. معمولاً کشورهای در حال توسعه دارای چنین سیاستی بوده و در جهت گسترش صنایع کوچک مقیاس به حمایت‌های مالی، تعیین و توسعه پروژه‌های صنعتی، خدمات مشاوره‌ای و ارائه زیر بناها در مناطق منتخب می‌پردازند [۲۶].

جدول ۴: ویژگی‌ها و جایگاه صنایع کوچک در توسعه اقتصادی

| کشور | سهم صنایع کوچک مقیاس | اثرات صنایع کوچک مقیاس |
|--|--|------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ▪ ژاپن ▪ ناپوان ▪ هند ▪ ترکیه ▪ سنگاپور ▪ کره جنوبی | <ul style="list-style-type: none"> ▪ ۵۲ درصد کل صادرات کشور ▪ ۶۷ درصد کل صادرات کشور ▪ ۵۵ درصد کل صادرات کشور ▪ ۶۳ درصد کل صادرات کشور ▪ ۹۰ درصد کل صادرات کشور ▪ ۳۹ درصد کل صادرات کشور | توسعه صادرات |
| <ul style="list-style-type: none"> □ هند □ ترکیه □ ایران □ مالزی □ کره جنوبی | <ul style="list-style-type: none"> □ ۴۰ درصد ارزش افزوده صنعت □ ۳۷۵ درصد ارزش افزوده صنعت □ ۱۷۵ درصد ارزش افزوده صنعت □ ۳۸ درصد ارزش افزوده صنعت □ ۴۳ درصد ارزش افزوده صنعت | ارزش افزوده |
| <ul style="list-style-type: none"> • ژاپن • هند • ایران • سنگاپور • کره جنوبی | <ul style="list-style-type: none"> • ۶۷ درصد کل اشتغال • ۸۲ درصد کل اشتغال • ۱۹ درصد کل اشتغال • ۷۱ درصد کل اشتغال • ۵۸ درصد کل اشتغال | اشتغال زایی |
| <ul style="list-style-type: none"> ○ ژاپن ○ ایران ○ سنگاپور ○ مالزی ○ کره جنوبی | <ul style="list-style-type: none"> ○ ۳۳ درصد ارزش تولیدات ○ ۲۱ درصد ارزش تولیدات ○ ۵۹ درصد ارزش تولیدات ○ ۵۲ درصد ارزش تولیدات ○ ۴۸ درصد ارزش تولیدات | ارزش تولیدات |

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی، «صنایع کوچک»، ۱۳۷۷: صفحه ۱۰

جدول ۵: مقایسه هزینه تولید قطعات صنعتی ایران خودرو در واحدهای با اشتغال کم و زیاد

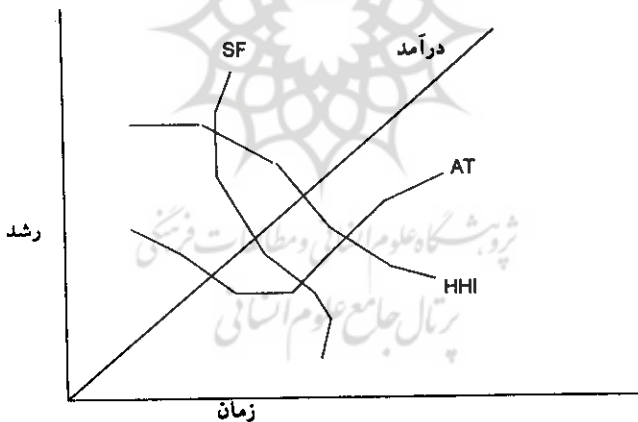
| نام کالا | واحد (الف) | | واحد (ب) | | اختلاف قیمت |
|----------|------------------|-------------|------------------|-------------|-------------|
| | قیمت واحد (ریال) | تعداد پرسنل | قیمت واحد (ریال) | تعداد پرسنل | |
| دسته فنر | ۸۴۰۰۰ | ۳۰۰ | ۷۴۵۰۰ | ۹۸ | ۲۰ |
| رادیاتور | ۱۵۶۲۰۰ | ۳۰۰ | ۱۲۴۰۰۰ | ۱۰۰ | ۲۶ |
| شاتون | ۳۰۰۰۰ | ۱۵۹۴ | ۲۴۰۰۰ | ۱۲۰ | ۲۵ |

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی، صنایع کوچک، ۱۳۷۷، صفحه ۲۱

جدول ۶: مقایسه هزینه تولید قطعات صنعتی در واحدهای کوچک و بزرگ در کارخانه میسویچی ۱۹۹۵

| لیست قطعات | هزینه ساخت در واحد بزرگ (بن) | هزینه ساخت در واحد کوچک (بن) | نسبت تفاوت هزینه |
|--------------------------|------------------------------|------------------------------|------------------|
| قطعه مربوط به دسته موتور | ۱۰۰۰ | ۱۰۸/۹۸ | ۹/۲ |
| قطعه مربوط به داشبورد | ۵۵۰۰ | ۹۷۵/۵ | ۵/۶ |
| قطعه مربوط به لامپ | ۳۹۵۰ | ۶۲۵/۷ | ۶/۳ |
| قطعه مربوط به سوئیچ | ۸۹۵۰ | ۲۹۲۰ | ۳/۰ |
| قطعه مربوط به چرخ دنده | ۱۱۰۰۰ | ۴۳۶۶ | ۲/۵ |

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی، صنایع کوچک، ۱۳۷۷، صفحه ۲۱



شکل ۱: مسیرهای توسعه انواع صنایع روستایی

Source: Misra R.P., "Rural Industrialization in third world Countries" 1985, P.8

نتیجه گیری و آرایه احکام سنتزی

به نظر می رسد که یکی از مباحث اساسی توسعه روستایی از طریق صنعتی شدن روستا توجه به ایجاد صنایع کوچک مقیاس روستایی است. بر اساس این دیدگاه صنایع کوچک مقیاس

روستایی با بسیاری از مسایلی که گریبانگیر شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه است، مواجه نیستند. به واسطه وجود این مزیت برجسته برخی از کشورها زمینه‌های حفظ و جذب مردم به مناطق روستایی و نواحی کمتر توسعه یافته را از طریق گسترش فعالیت‌های اقتصادی از جمله فعالیت‌های صنعتی در این مناطق می‌دانند.

از آنجا که صنایع کوچک نیازمند تسهیلات زیر بنایی محدود، سادگی فعالیت‌ها و عدم نیاز به تخصص‌های پیچیده از سوی دیگر هستند می‌توانند مهم‌ترین اهرم در راستای فعال کردن پتانسیل‌های مادی و انسانی مناطق روستایی در هر کشوری محسوب شوند. بر اساس آمارهای موجود در حدود نیمی از اختراعات و نوآوری‌ها در آمریکا و ژاپن توسط صنایع مدرن کوچک به ثبت رسیده است همچنین در آمریکا نسبت اختراعات به هزینه صرف شده در تحقیق و توسعه در صنایع کوچک ۲۴ برابر صنایع بزرگ بوده است.

اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران نیز با تمامی فرصت‌ها و تنگناها اقتصادی در حال گذار است. گفتنی است که در نظام‌های اقتصادی در حال گذار که در حال عبور از شیوه تولید سنتی به سوی شیوه تولید صنعتی‌اند بی تردید توجه به صنایع کوچک تا حصول به سر پل صنایع استراتژیک الزامی است.

این بنگاه‌های کوچک قادرند ضمن ایجاد ارزش افزوده و اشتغال، زمینه مناسبی جهت افزایش ارزش محصول ناخالص داخلی ایجاد نمایند. از آنجا که مناطق روستایی به دلیل وجود منابع غنی اولیه و نیروی کار از شرایط ویژه‌ای برخوردار هستند بی تردید مکان یابی صنایع کوچک مقیاس در این مناطق قادر است نقش اساسی در توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی برجای گذارد. بررسی مبانی نظری توسعه روستایی، ضمن تبیین ایجاد اشتغال و کاهش فقر به عنوان مهم‌ترین چالش مناطق روستایی در دهه آینده، صنعتی شدن روستا در قالب ایجاد واحدهای کوچک مقیاس را سنگ بنای استراتژی آینده و پارادایم مسلط در مباحث توسعه روستایی می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

۱- سایت. آشوانی، ۱۳۷۵:۳۵

- 2- Shrinivas. Y. Thakur, 1958:8.
- 3- Samal. C. Kishore, 1997:57.
- 4- Liedholm. Carl, 1994:48.
- 5- Misra. R. P. Achyutha. R. N, 1990:15.
- 6- Michel. H & al, 1979:44.
- 7- Humphrey John, 1995:149.
- 8- Humphery John & Al, 1995:152.
- 9- UNIDO, 1984:29.
- 11- UNIDO, 1984:4.
- 12- Desai Vasant, 1980:2.
- 13- Foss Olaf, 1997:239-254.

۱۰- آمار سال ۱۹۹۱

- 14- Humphrey John & Al,1996:1859-1877.
- 15- Humphery John & Al,1996:1860.
- 16- North David & Al, 1996.151.
- 17- Looye Johanna, 1998:54.
- 18- UNIDO,1984:8
- 19- Curran James & Story David,1993:16
- 20- Loehr.William & Powelson John.P,1979:30-50
- 21- Desai. Vasant,1980:3
- 22- Purushotham.P,1997:243-249
- 23- Smith M.Stephen & Al,1997:237-242
- 24- Misra R.P,1985:7-8
- 25- Looye Johanna,1998:56
- 26- UNIDO,1984:26-27

منابع و مأخذ

- ۱- سایث. آشوانی: راهبردهای توسعه و روستائیان فقیر، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ترجمه بهنام شاهپوری، تهران، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، شماره ۲۴، ۱۳۷۷
- ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی: گزارش صنایع کوچک زمینه ساز توسعه اقتصادی و اشتغالهای مولد، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۷

- 3- Curran.James (1993) "The location of small and medium Enterprises: Are there urban-rural differences?" Routledge publishing , pp.1-16
- 4- Desai,Vasant (1980) "Managment of Small-scale Industry " Himalaya, P.464 Publishing House.
- 5- Foss.Olaf (1997) " Establishment Structure ,Job Flows and Rural Employment ", Rural employment in OECD countries , chapter 16 , PP. 239-254
- 6- Humphrey John (1996) " The Triple C Approach to Local Industrial Policy " world development, vol.24, no.12 , pp. 1859-1877.
- 7- Liedholm Carl & Kilby Peter (1989) " The Role of Non-farm Activities in the Rural Economy ", Mc Millan press in association ,P.40.
- 8- loehr william & powelson john (1979) " An Accounting Analysis of Rural Business in Kenya ", industry & development , No.4 , PP.30-50.
- 9- looye johanna (1998) " Supporting Small-scale Manufacturing in Developing Countries " TWPR ,20 (1) p.53-82.
- 10- Michel H & Ochel W (1979) " Rural Industrialization ,Employment Economic Development " economic development and source transfer, workshop , P. 31-44.
- 11- Misra R.P & Achyuta,R.N (1990) " Micro-level Rural Planning Principle,Methodes and case study ", concept publishing company, New Delhi.
- 12- North David & Smallbone David (1996) " Small Business Development in Remote rural areas " journal of ; rural studies ; vol.12 , no.2 , pp.151-167.
- 13- Prushthman .P (1997) " Micro Enterprise Development the region in high poverty:lesson from an action research project " Jornal of Rural Development ; Vol. 16(2) , PP.243-257.
- 14- Samal Kishore.C (1997) " Rural Non-farm Activities in spesific regions of Orissa " Jornal of Rural Development ; Vol.16,No.3,PP.457-464.
- 15- Shirinvas Y Thakur (1985) " Rural Industrialization in India : strategy and approach " sterling publishers, New Delhi.
- 16- Smith Stephan M (1997) " Non-Agricultural Macro-Enterprise Development among the pennsylvania Amish : a new phenomenon ", journal of rural studies ; vol. 13,No.3,PP.237-251.
- 17- UNIDO,(1984) " The Role of Small and Medium scale Industries in OIC member states " unido,No.9,P.487.